نقاشیهای دیواری

دوره صفویه

که توسط آقای سرکیس خاچاطوریان

احیا گردیده است

طهران

تحت حمایت عالی وزیر معارف واوقاف

و صنایع مستظرفه

نقاشی های دیواری ایران

که توسط آقای خاچاطوریان از
روی نقاشیهای دیواری قرن هفدهم
ابنیه صفوی (علی قاپو - چهل ستون
قیصریه - پل اله وردی - جلفای
اصفهان و در قصر صاحب الزمان
واقع در اشرف احیا گردیده است

« در کلوب ایران » طهران

از تاریخ ۲۱-۳۰ اردیبهشت ۱۳۱۲

تنفیذ
۱۲۶۴

این دفعه دوم است که پرده های نقاشی ابنیه صفوی که هنوز در اصفهان موجود است و توسط آقای خاچاطوریان نقاش ایرانی ترسیم شده در طهران درسالون کلوب ایران بمعرض نمایش گذارده می شود .

پرده هائیکه دو سال قبل دفعه اول در طهران به نمایش گذارده شد بپاریس حمل ودر موزه گیمه بمعرض نمایش درآمده و تحت تدقیق و مطالعه کلیه نقاشان منقدین ذیفن درجه اول اروپا واقع شده و بدون استثناء مورد تعریف و تمجید عامه و جراید بزرك و کوچك مغرب زمین واقع گردید .

پس از آن نیز مؤسسه مشهور آمریکائی که برای بسط شناسائی صنایع و عتیقات ایرانی تشکیل گشته با آقای خاچاطوریان قرار دادی منعقد نموده تا دو سال پرده های مذکور را در چهل اونیورسته و پانزده موزه شهر های متعدده ممالك متحده امریکا بنمایش درآورد و همان تقدیر و تحسینی که روزنامه های اروپا نسبت بپرده های مزبور ابراز داشته فعلا نیز در جراید مشهور و مهم آمریك دیده میشود .

مختصری از نگارشات جراید فوق الذکر دراین فهرست درج میشود تا هموطنان بخوبی مطلع شوند که صنایع اجداد

ما چه قدر و قیمتی وچه مقام عالی و ارجمندی در نظر متخصصین درجه اول دنیای امروزی دارد .

بعقیده ما همان خدمتی که فیز جرالـد بواسطه ترجمه رباعیات خیام بادبیات ایران نموده وآنرا شهره دنیای متمدن امروز و طرف تکریم و پرستش تمام ملل بزرك و کوچك جهان قـرار داده واسباب افتخار وسربلندی ایران وایرانیان را فراهم آورده‌است همان خدمت را نیز آقـای خاچاطوریان نسبت به نقاشیهای دوره صفویه کرده و میکند و مایهٔ نهایت خورسندی و مباهات ما است که مفسر ومترجم صنایع قدیمه ایران درمقابل منقدین و متخصصین بی طرف و بی پروای فنون عالم تمدن معاصر یك‌نفر ایرانی است که مورد اینهمه تمجید و تحسین دنیا گردیده است

البته هرکسی عکسهائی که از اصل نقاشیها برداشته شده باپرده های مزبوره مقایسه نماید خواهد فهمید که آقای خاچاطوریان چه مهارت قابل حیرتی بخرج داده کـه با حفظ رنك و شیوه و استیل و عـین روح نقاشیهای زمان صفویه اغلب از اوقات برای تکمیل قسمتهای معدوم شده موجوداتیرا خلق و ترسیم نموده است

بنا برپیشنهاد آقای خاچاطوریان یك عده از ادبای درجه اول شهر طهران جمع شده بمناسبت هرپرده شعری از اشعار فارسی

انتخاب فرموده اند تا نقاشی ایرانزمین بواسطه ادبیات ایرانی شناخته و معرفی شوند

اشعار مزبوره در مقابل نمرات پرده ها ذکر شده است

نمایشگاه دوم

- س - خاچاطوریان از نقاشیهای دوره صفوی در طهران

نمایشگاه دوم خاچاطوریان مانند دفعه اول عبارت است از آثار تاریخی مشعشع دوره با عظمت صفویه - نقوش و تصاویر این نمایشگاه دوم از ابنیه مختلفه اقتباس گردیده

اول - دوازده نقش از عمارت قشلاقی شاه عباس کبیر معروف بصاحب‌الزمان واقع در شهر اشرف - عمارت را شاه عباس بنا کرده و درفصل زمستان درآنجا اقامت اختیار مینموده و این عمارت بارگاه یا پایتخت ثانوی بشمار میرفته است - شهر اشرف در زمان شاه سلیمان بعلت تهاجمات روسها وعثمانیها منهدم شده وفعلا یك مخروبه و پناه گاه گوسفندان و محل تاخت و تاز حیوانات وحشی میباشد - خاچاطوریان با زحمات زیاد وپس ازشست وشوی دیوار های

این مخروبه دوازده تصویر از نقوش سیاه شده مندرسه و پوسیده را بصورت اولی خود در آورده این نقاشیها قدیم تر از نقاشیهای اصفهان میباشد .

دوم ـ شش تصویر از نقاشیهای سر درب قیصریه واقع در میدانشاه اصفهان اقتباس نموده ـ این نقاشیها عمل یکنفر نقاش ایرلندی میباشدکه شاه عباس ثانی اورا طلبیده است درسنه ۱۸۰۸ میلادی بدستور حاجی میرزا حسین خان(؟) این نقاشیها مرمت شده ولی متاسفانه ترمیم کننده بواسطه بیعلمی وجهالت خود توجهی ابداً بروحیات آن زمان نکرده ومخصوصاً ازاسرار رنگها ودوره گیری آنها هیچ ملتفت نشده درعوض مرمت نقوش آنها را فاسد گردانیده است .

سوم ـ هیجده تصویر ازنقاشیهای چهل ستون واقع در اصفهان ـ این نقاشیها در بنای عظیمی که محل دیوانخانه و مصدر کلیه امور رسمی بوده ترسیم و نوین تر از نقاشیهای عالی قاپو می باشد ـ نقوش این نگارستان روغنی میباشد . باستثنای تصاویر ابوابهای جنوبی و غربی که آب و رنك منقوش شده ـ نقوش اخیر از حیث ظرافت صنعتی قالی نقوش عالی قاپو میباشد ولی نقاشیهای روغنی این عمارت عالی نسبت به نقاشیهای عالی قاپو در درجه نازلتری واقع گردیده اند ـ نقوش چهل ستون در ادوار اخیره سه مرتبه مرمت شده اند ـ ۱ ـ در دوره فتحعلی شاه در سنه ۱۸۳۰

۲ ـ در دوره ظل السلطان در سنه ۱۸۸۹ و مرتبه اخیر در سنه ۱۹۲۸ بدست یکنفر مأمور بی‌خبر و بی اطلاع از فن ترکیب و آمیزش و روحیات مرمت شده. شخص مذکور نقوش آب و رنگی ایوان غربی را بخیال خود با روغن و رنك «اصلاح» نموده ولی در حقیقت قدر وقیمة صنعت را بالمره از بین برده است.

چهارم ـ بیست وهشت تصویر ازنقاشیهای دواطاق کوچك واقع درغرفه های پل اللهوردیخان ـ بانی این بنای عظیم الله وردی خان سردار نامی شاه عباس کبیر بوده ـ ساختمان این بنای عظیم بقدری محکم و با ابهت است که میتوان گفت یکی از بهترین ومستحکمترین پلهای دنیا می باشد ـ روی دیوار های دو اطاق کوچك این پل شاه عباس کبیر امر بنگارش مجالس عشق بازی و باده نوشی داده شاردن در کتاب خود میگوید شاه عباس ثانی این نقوش را نه پسندیده روی آن ها گچ کشیده و امر بنگارش نقوش جدید داد خاچاطوریان با مهارت تام این گچمالی ها را برداشته ونقوش اصلی را که از دود سیاه شده بود پاك و تنظیف نموده و در تصاویر اقتباسیه خود روح اصلی آن زمان را دمیده و حیوة بخشیده است ـ تاریخ نقاشی این دو اطاق ۱۵۹٤ میلادی می باشد و شاه عباس کبیر از همین اطاقها منظره شبهای مهتاب روح افزای زاینده رود را سیاحت و تفریح می فرموده.

پنجم ـ شصت و شش تصویر از نقاشیهای عـالی قاپو
نقاشیهای دیواری این بناء عظیم وعالی بهترین نقاشیهای دوره شاه عباسی بشمار می آید که در تحت نظارت و تشریك مساعی صنعت گران ماهر مثل رضا عباسی و مظفر علی منقوش گردیده است

ششم ـ بیست وشش تصویر از خانه های ارامنه جلفا. این تصاویر با یك سبك مخصوص جالب توجهٔ میباشند زیرا که چه از حیث ترسیم وچه از حیث مطابقت و تساوی رنك و دوره گیری و غیره تفاوت کلی کلیه نقاشیهای مذکوره در فوق دارند ـ این نقوش روی دیوار های عمارت عالی و با شکوه خواجه آویتیك وخواجه پطرس منقوش گردیده و احتمال کلی میرود که اینها عمل ونتیجه قلم میناس صنعتگر ماهر و زبر دست ارمنی در دوره شاه عباس کبیر باشد ـ رقومیکه در ذیل این نقوش دیواری ترسیم شده مخصوصاً مفاد روح سلحشوری معنوی و روحانی آنان را مجسم و مطـابقت میکنند با افـکار روحی و مذهبی آن دو نفر رجل ارمنی کـه در فوق مذکور گردید غیر از میناس صنعتگر که در آن زمان شهرتی بسزا داشته و در زهد و تقوی هم معروف بوده کس دیگر ممکن نبود بتواند مترجم حقیقی روحیات و احساسات آن دو نفرفوق الذکر باشد. با نمایش کلیه نقوش و تصاویر مذکور فوق خاچاطوریان در جلو انظار اهل ایران و ملل متمدنه دنیا آثار ظریفه محیر العقول

صنعت یك دوره مشعشع و پر افتخار ایران باستانی را کـه بنام دوره صفویـه معروف و مشهور است جلوه میدهد این تصاویر اقتباسیه نه فقط هنر مندی و زبر دستی و قـوه ذکاوت و تعمق نزاکت فنی و نکته سنجی او را جلوه‌گر میسازد بلکه روح بزرك و اسرار صنـعت بی نظـیر دوره صفـویه را که در پس پرده استـتار تاریخ تاریك و غبار آلوده و از انظار پنهان و مکتوم گردیده بود در معـرض نمایش و منصه شهـود رسانیده و یـگانه شخصی است دارای ذوق سلیم کـه قدر بلند این صنعت گـرانبها و محسنات و روحیات آن را که بمنزلـه گنج شایان می باشد به یمن قلم معجز آسای خود حیات جدید معنوی بخشیده وظرافت و لطافت صنایع ذیقیمت دوره باعظمت وجلال ایران کبیررا بواسطه این نمایش ثانوی مبرهن وجلب توجه خاص تمام ملل متمدنه دنیا را نموده واسباب بهت و تحیر آنها را فراهم ساخته است .

در خاتمه این نکـته را خصوصا تذکر می دهد که صنعت نقاشی مذکور در عصر سه سلسله از سلاطین ایران سه مرحله را پیموده باین معنی در عصر سلاطین صفوی پا بدایره وجود گذاشته و در زمان سلاطین قاجار بکلی حیات و موجودیت خـود را از دست داده ودر دوره پر افتخار اعلیحضرت پهلوی مجدداً مانند تمام مفاخر تاریخی ایران زنده شده است پس اگر نقاشیهای مذکوررا

در عین ارتباط اصول آن بایام پادشاهان سلسله صفویه صنعت عصر با عظمت پهلوی بنا میم بخطا نرفته وبرخلاف حقیقت سخن نرانده ایم و برای اهمیت وعظمت موضوع و تقدیر خدمات این صنعت گر ونقاش ایرانی معروف که اسم خودرا در تاریخ احیای صنایع مستظرفه مملکت‌خود درجهان بجلل ومخلدکرده‌است مشاهده تصاویر مذکور اکفی دلیل و ملاحظه نقاشیها مذکور بطور قطع اهمیت مقام و مهارت خاچاطوریان را چنانچه در عالم اروپا محرز است در وطن خود هم مسلم خواهد داشت

رضا افشار حکومت اصفهان



اشعار مناسب که برای نقاشیهای دیواری
قصر صاحب الزمان

اشرف

توسط جمعی از ادبا انتخاب گردیده است

۱ برکف می لعل و زلف دلدار بدست

بر طرف چمن کنم باقبال نشست

می نوشم و از دور فلك نندیشم
وانگاه شوم ز باده عشرت مست (خیام)

۲ بزیور ها بیارایند گرصورت نکورویان
توسیمین تن چنان خوبیکه زیورها بیارائی

۳ چون لاله بنوروز قدح گیر بدست
با لاله رخی تو را اگر فرصت هست
می نوش بفرخی که این چرخ کبود
ناگاه ترا چو خاك گرداند پست(خیام)

٤ یاقوت جان فزایش ازآب لطف زاده
شمشاد خوش خرامش از ناز پروریده

٥ زان پیش که کاسه سرت کوزه کنند
تو کوزه ز دوش وقدح از دست منه(خیام)

٦ روزیکه دومهلت است می خور می ناب
کاین عمر گذشته در نیابی دریاب
دانی که جهان رو بخرابی دارد
تو نیز شب و روز زمی باش خراب(خیام)

۷ روم بخواب که شاید تورا بخواب بینم
کجا است خواب مگر خوابرا درخواب بینم

۸ روی ناشسته چه ماهش نگرید
چشم بی سرمه سیاهش نگرید (محتشم)

۹ گر ما می و معشوقه گزیدیم چه باك
چون عاقبت کار چنین خواهد بود (خیام)

۱۰ شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
غنیمت است دمی روی دوستان بینی (سعدی)

۱۱ ای زلف تو هر خمی کمندی
چشمت به کرشمه چشم بندی (سعدی)

عالی قاپو

۱ گمان برند خلایق که حور بچه نزاید
خلاف من که یقین دانمت تو بچهٔ حوری

۲ اقطاع طرب در نظر ساغر ماست
سر سبزی عیش در سر ساغر ماست
بیم است که فروغ می لعل شود
پیروزه که طرف کمر ساغر ماست

٣ بس عجب دارم که زلف او چرا دیوانه است
با وجود آنکه عقل و هوش یغما میکند

٤ دوچشم مست توخوش میکشد ناز ازهم
نمیکنند دو بد مست احتراز از هم

٥ نگارم دوش در مجلس بعزم رقص چون برخواست
گره بگشود از گیسو و بردلهای یاران زد

٦ ازچار چیز مگذر گر عاقلی و زیرك
امن و شراب بیغش معشوق و جای خالی (حافظ)

٧ زآن شب که باتو دست درآغوش کرده ام
یکباره ترك دین و دل وهوش کرده ام
(کمال الدین اسمعیل)

٨ روزی بینی مرا که مست افتـاده
در پای تو سر نهـاده پست افـتاده
دستار ز سر سبحه ز دست افتـاد
در حلقه زلف بت پرست افتاده (خیام)

٩ بمـك هر لحظـه لعـل آب داده
بگـیر طـره هـای تـاب داده

١٠ چندتازی بهر صیدم خسته شد پای سمندت
صبر کن تا من بپای خویشتن آیم ببندت

۱۱ بخمیازه بگشاد از ناز کش
که بر گیرم و اندر آغوش کش

۱۲ فرصتی نیست که از خم بسبو ریزی می
لب خم برلب من نه که همین یکنفس است

۱۳ نهم چون سیب رخ در دست شاهان
سبد وایس برد سیب سپاهان

۱٤ حالیست میان مستی و هوشیاری
من بنده آن که زندگانی آنست

۱٥ ز چشم شوخ تو جان کی توان برد
که دایم با کمان اندر کمین است
بر آن چشم سیه صد آفرین باد
که در عاشق کشی سحر آفرین است

۱٦ چون پیرهنت تا که بگیرم ببغل تنك
صد پیرهنم در سر این کار دریده

۱۷ اگرغم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد
من و ساقی بهم سازیم و بنیادش بر اندازیم
(حافظ)

۱۸ فرشته عشق نداند که چیست قصه مخوان
بیار جام وشرابی بخاك آدم ریز(حافظ).

۱۹ ما و می و معشوق در این کنج خراب
جان و دل و جام و جامه در رهن شراب
فارغ ز امید رحمت و بیم عذاب
آزاد ز خاك و باد و از آتش و آب
(خیام)

۲۰ چنان در کوی عشقت پای بندم
که گوئی آهوی سر در کمندم

۲۱ پری رو تاب مستوری ندارد
در ار بندی ز روزن سر برآرد (نظامی)

۲۲ بیا بمیکده تا مست از شراب شویم
بنا بر آب گذاریم تا خراب شویم

۲۳ شمشیر جهانور بهادر شه را
دزدیده که این کمان ابروی من است
(قاآنی)

۲٤ زلف سر راه بگوش تو سخن میگوید
مو بمو حال پریشانی من میگوید

۲۵ زآن کوزه می که نیست در وی ضرری

بر کش قدحی بمن ده دیگری

زآن پیش که در رهگذری

خاك من و تو کوزه کند کوزه گری

(خیام)

۲٦ چو عشق رهزن عقلی چو عقل زینت روحی

چو روح زیور عمری چو عمر مایه سوری

۲۷ بخت آینه ندارم که در او مینگری

۲۸ تو بدین صفت که ابروی برخ ای غلام داری

مه تا تمام گوئی بمه تمام داری

۲۹ دهید مژده خراباتیان باده پرست

که ساقی آمد و جام شرابش اندر دست

۳۰ بعد چشم تو مصور که بابروت پرداخت

شد چنان مست که برروی تو شمشیر کشید

۳۱ یك امشب بیا تا ببر گیرمت

تو عمر منی تا ز سر گیرمت

(ادیب پیشاوری)

۳۲ ساقی چمن گل رابی روی تورنگی نیست
شمشاد خرامان کن تا باغ بیارائی

۳۳ بهوش بودم از اول که دل بکس نسپارم
شمایل تو بدیدم نه عقل ماند و نه هوشم

۳٤ دست از تو بر ندارم تا کام دل برآید
یا جان رسد بجانان یا جان ز تن درآید

۳٥ ؟

۳٦ من شیفته اندر رخ تو محو تماشا
خلقی بتماشا ز پی من نگرانند

۳۷ ز غارت چمنت بر بهار منت ها است
که گل بدست تو از شاخ تازه تر ماند

۳۸ در نمازم خم ابروی تو بر یاد آمد
حالتی رفت که محراب بفریاد آمد
(حافظ)

۳۹ تن کرده ام چون تارنخ از بهر تو سراسر
تا در میانش پیچم و دعوی زناری کنم
(ادیب پیشاوری)

٤٠ نگاری کشیده ببالا بلند
رفائیل رومی برومی پرند
تو گفتی فرو آمد از آسمان
مسیحا در آن دیر و دادش روان

٤١ شراب امن می بی‌عشق و رفیق شفیق
گرت مدام میسر شود زهی توفیق

٤٢ یك دست جام باده و یك دست زلف یار

٤٣ پستان یار در خم گیسوی تابدار
چون گوی عاج در خم چوکان آبنوس
(سعدی)

٤٤ حسنرا تکیه که آنطرف کلاه است امروز
فتنه را خوابگاه آن چشم سیاه است امروز
(محتشم)

٤٥ در کار جهان کسی که اندیشه کند
از هر دو جهان بیخردی پیشه کند

٤٦ هیچکس سرو بوستان دید است
که بود ماه آسمان بارش (اتابکی)

٤٧ خوش آنکو که عمری چنین کرد طی
بـه یك دست سیب بـه یك دست می

٤٨ مغـنی بگو قـول بردار سـاز
که بیچاره کان را توئی چاره ساز (حافظ)

٤٩ اکنون که ز خوشدلی جز نام نماند
یکهمدم پخته جز می خام نماند(خیام)

٥٠ سبوی میم نشکن ای تـند خوی
که خواهند کردن زخاکت سبو(ادیب)

٥١ ندانمت بحقیقت که درجهان بچه مانی
جهان هرچه دراوست صورتندو توجانی(حافظ)

٥٢

٥٣ دهـانی کو طمع دارد بسیبم
به سیب سرخ چون طفلش فریبم (نظامی)

٥٤ شده انتظارم ازحد چه شود زدردرائی
زدو دیده خون فشانم زغمت شب جدائی

٥٥ هـیروی الـتفامت می نکـنی
سر و هرگز چنین نرفت ازاد (سعدی)

٥٦ برخیز بتا بیا برای دل ما
حل کن به جمال خویشتن مشکل ما

٥٧ بروی لاله‌وگل خواستم که می نوشم
ز شیشه تا بقدح ریختم بهار گذشت

٥٨ حسد بساغر می میبرم چرا نبرم
که از لب تو بپایان به بوسه کام رواست

٥٩ ملك زاده را دل بتاریست بند
بیاد لب گل رخی نوشخند (اورنك)

٦٠ بیتو هرمی که زجامم بگلو میریزم
ز گلو ناشده از دیده فرو میریزد

٦١ بر دار پیاله و سبو ای دل جو
برگرد به گرد سبزه زار و لب جو

٦٢ پیاله داد بدستم سبو نهاد بدوشم
غلام پیر مغانم گدای باده فروشم

٦٣ ابر آمدو باز برسر سبزه گریست
بی باده گل رنك نمیباید زیست

این سبزه که امروز تماشاگه ماست
تا سبزه خاك ما تماشا که کیست (خیام)

٦٤ زلف بر باد مده تا ندهی بربادم
ناز آغاز نکن تا نکنی بنیادم (حافظ)

٦٥ ز باد ار که سرو سنوبر بخم
حکایت کنند از تو هنگام چم
چگونه ستانید ناز تو را
شکنهای زلف دراز تو را (ادیب)

٦٦ گل بی رخ یار خوش نباشد
بی باده بهار خوش نباشد (حافظ)

٦٧ بنشین که ز قامت دلارایت
برخواست عجب قیامتی برپا

٦٨ فرشته عشق نداند که چیست قصه مخوان
بیار جام وشرابی بخاك آدم ریز (حافظ)

چهل ستون

١ کسی درنیامده است بدین خوبی ازدری
هرگز نیاورد چو تو فرزند ماردی (سعدی)

۵ بیا تا گل درافشانیم می درساغر اندازیم
فلك را سقف بشکافیم طرح نو دراندازیم

۶ من همه صورت خوبان جهان را دیدم
صورت همچو تو در عالم تصویر نیست

۷ جانا هزار آفرین برجانت ازسرتاقدم
صانع خدائی کین وجود آورد بیرون ازعدم

۸ ما در پیاله عکس رخ یار دیده ایم
ای بیخبر ز لذت شرب مدام ما(حافظ)

۹ ـ ۱۰ خیال روی تو در کار گاه کشیدم
بصورت تو نگاری ندیدم و نشنیدم

۱۱ مگر آن دایه کین صنم پرورد
شهد بوده است شیر پستانش

۱۲ ساقی تو می بجام بلوری چه میکنی
گل را پیاله کن که لب یار نازك است

۱۳ پرکن قدح ز باده که معلوم نیست
کین دم که فرو برم برارم یا نه (خیام)

پل الله وردی

۱ مردم زرشك چند بینم که جام می
لب برلبت نهاده وقالب تهی کند (حافظ)

۲ دوران جهان بی می وساقی هیچ است
بی زمزمه نای عراقی هیچ است
هر چند در احوال جهان می نگرم
حاصل همه عشرت است باقی هیچ است
(خیام)

۳ رخت در ملك خوبی جلوه گر باد
نظر گاه دل اهل نظر باد

۱۸ باغبان گر بیند این رفتار
سرو بیرون کند ز بستانش



سردر قیصریه

شش پرده که بتوسط نقاشان هلندی در زمان شاه عباس دوم ترسیم شده

استاد میناس ارمنی

بیست پرده که درزمان شاه عباس کبیربتوسط نقاشی ارمنی مشهور به استاد میناس درمنازل خواجه پطرس و خواجه أودیك ارمنی در جلفای اصفهان کشیده شده و مضمون پرده های فوق اخلاقی ـ شکاری و جنگی می باشد مهمتر از همه در این پرده ها پرده ایست که بیادکار تشریف فرمائی شاه عباس کبیر بمنزل خواجه اودیك نقاشی شده



kis Katchadourian, appears to have accomplished marvels in the way of duplication. . . . .

New York American Oct. 15, 1932

par

. . . . As the Persians have managed the matter better than the modernists, achieving more clarity and more poetry all the public interested in modern art can profit from studying the exhibition. It makes so plain how art can be abstract and at the same time natural, at once a mental and a sensuous delight.

It is a pity that due to lack of space, we are not able to reprint quotations from the fine articles of New York Evening, Post Christian Science Monitor & New York Herald Tribune.

Plusieurs autres journaux américains et européens et critiques autoritaires d'art se sont exprimés favorablement au sujet de la peinture de l'époque et la reconstitution réalisée par M. Katchadourian, dont nous ne pouvons malheureusement pas les insérer tous ici.

Katchadourian. Toutce qu'il y a d'a mable, d'élégant, d'amoureux, de tendre, de léger dans les miniatures persanes et dans nos pastels du XVIIIe siècle, semble se combiner dans ces images charmantes aux frais coloris, au dessin précieux, imprégnées d'exotisme et pourtant très près de nous. Quel rappel de notre commune origine aryenne avec les Persans !

D'Intransigeant

7 AVRIL 1932

Par Jean Gallotti

. . . . Mr. Katchadourian, peintre persan, encouragé par son gouvernement, est allé relever les peintures délabrées qui couvrent les murs des pavillons et des galeries dans les palais de Tchehel—Soutoun et d'Ali-Kapu. Et c'est le résultat de son effort que nous pouvons admirer place d'Iéna.

Dès qu'on aperçoit la longue suite des tableaux exposés, on s'écrie: «Comme c'est moderne!»De l'art moderne datant du XVIe et du XVIIe siècle, de l'art moderne venant d'Asie, c'est en effet ce que semblent être ces peintures fraiches et légères, comme des gouaches de Marie Laurencin, où la plus audacieuse liberté du dessin se mêle à une stylisation charmante. . . .

Les journaux Américains

The New York Times, Sunday, Oct. 16. 1922

. . . . But employing tempera and paper, a modern artist, Sar-

«Marseille Soir» 16 Mars 1933

Par H.Heraut

. . . Une des plus curieuses révélations est assurément celle que suscitent en nous les fresques persanes, exposées actuellement au Musée Guimet. Reconstituées de façon extrêmement artistique, par un peintre originaire d'ailleurs de Perse, M. Katchadourian, ces fresques aux teintes roses et bleues suaves, nous font penser à du Marie Laurencin. „Plusieurs critiques m'ont fait la même remarque, nous dit l'artiste. Et cependant; j'ai exécuté cela à Isfahan même, au palais d'Ali Kapou . . . la plupart de ces fresques se trouvaient très détériorées par l'humidité. Mais en m'inspirant de quelques tons, quelques ignes, j'ai pu, après bien des efforts, reconstituer l'ensemble". Et c'est un ensemble délicieux des favorites, aux beau yeux en amandes se pâment, une rose à la main . . . , de jeunes pages, le cou tendrement incliné, rêvent à d'ineffables amours. Cette exposition obtient un succès considérable, car elle demeure un témoignage direct de l'art persan . . . Sans doute, le Musée Guimet s'appropriera-t-il quelques œuvres du talentueux artiste, œuvres qui demeurent d'ailleurs des pièces de collection . .

Vu 3 Avril 1932

Far Jean Gallotti

. . . Enfin n'oublions pas de dire que jusqu'au 25 Avril, les joies les plus exquises sont encore réservées à ceux qui visiteront les fresques d'Isfahan, copiées ou reconstituées par M.

Persans ont pastiché M. Henri Matisse, mais sans fadeur et avec un dessin infiniment préférable. C'était du moins l'avis de beaucoup de visiteurs de cette exposition-bouquet.

Le Temps 5 Mars 1932

Par Thiébault-Sisson

. . . . .. Les fresques à personnages, ravagées en grande partie par le temps, mais dont les motifs sont aisément reconnaissables et dont les fraîcheurs de tons, quoique pâlies, n'ont rien perdu de leur charme, ont été reconstituées en une remarquable suite d'aquarelles par le peintre persan S. Katchadourian
. . . . C'est pour les curieux de Paris, une occasion unique de se familiariser avec un art délicieux, issu des miniatures persanes et incomparable de grâce dans ses colorations comme dans ses représentations de la vie à la cour du grand roi dont le règne marqua l'apogée de la puissance et de la civilisation iraniennes, mais aussi le commencement de leur déclin. Ce sera une joie profonde pour l'œil des connaisseurs de courir d'un motif à un autre, d'une scène de chasse au faucon à une scène de déclaration amoureuse, de se poser tour à tour sur ces arabesques de lignes, sur ces combinaisons de couleurs tendres sans jamais être fades, et où les roses, les vermillons, les carmins, les jaunes d'or, les bleus pâles composent la symphonie la plus délicate, la plus raffinée, la plus rare.

chadourian, est une manifestation aussi nouvelle qu'artistique.

. . . . C'est au talent du coloriste subtil et au sens du style persan de Katchadourian, que nous devons cette véritable révélation pour l'histoire de la Peinture en Perse.

AMI DU PEUPLE 26—2—1932

. . . . Au musée Guimet ont été inaugurées des reconstitutions des fresques Safavides (dix septième siècle) qui orne à Ispahan les murs de Ali Gapou et du Tchel-Soutoun. C'est un très délicat et très joli travail dû à un peintre persan M. Katchadourian.

AUBE 3 MARS 1932

. . . . L'exposition des fresques persanes au Musée Guimet, d'après les relevés du peintre persan Katchadourian témoigne une adresse remarquable. Elle exprime le raffinement de la civilisation à Isfahan au dix septième siècle.

FIGARO.—LUNDI 29 FEVRIER 1932

Les fresques d'Isfahan

Au Musée Guimet, la société des Etudes Iraniennes de l'Art Persan a réuni de façon ingénieuse et charmante, les copies et reconstitutions des „fresques d'Isfahan" c'est un travail très considérable que se sont imposé la science, la patience et le gout de M. S. Katchadourian. Grâce à cet artiste raffiné, nous avons la joie d'une vaste série de scènes fantasques mélancoliques ingénues et tendres, fleuries de pures figures dont les silhouettes, mi-réelles, mi-décoratives, sont encloses dans un lacis linéaire empli de douces teintes plates. Il semble évident que, dès le dix septième siècle, ces

d'une extraordinaire adresse; elles donnent la sensation de l'originale, sans toutefois perdre rien de la grâce et du charme précieux des modeles.

. . . . Elles sont le suprême et délicieux reflet d'un art mourant. Ce sont des scènes d'amour ou de chasse ou d'ivresse. Tout y est plaisant à l'œil et à l'esprit. Parfois sur le point de sombrer dans la mièvrerie, il arrive que l'artiste garde, grâce à la fermeté et à l'acuité de son dessin un équilibre qui tient proprement du miracle . . . .

L'INTRENSIGENT 25—11—1932.

. . . . Ce ne sont point des œuvres originales. Ce sont de fort intéressantes reconstitutions des fresques Sefevides, datant du XVIIe siècle, qui ornent les murs de l'Ali-Gapou et du Tchel Soutoun à Isfahan. Elles ont été réalisées, avec infiniment de fidélité et de talent, par le peintre persan Katchadourian . . . .

JOURNAL 26—2—32.

En présence d'une nombreuse assistance, M. Ala, Ministre de Perse à Paris, a inauguré, hier après midi, au Musée Guimet des reconstitutions, confiées à ce Musée . . . . réalisées avec une exactitude parfaite par le peintre persan M. Katchadourian. . . . .

JOURNAL DES DEBATS Fév.—1932.

Par Arménag Sakisian

. . . . L'exhibition sous le patronage du Ministre de Perse à Paris, des fresques d'Ispahan reconstituées par le peintre Kat-

Katchadourian nous convie à la révélation d'une Perse nouvelle, la Perse murale des Séfévides, apparentée comme nous le voyons dans ces reconstructions de fresques aux tissus et brocards des ateliers de Shah-Abbas à Isfahan, mais qui pourra aussi être un chaînon dans l'histoire de la peinture murale, persane négligée jusqu'à nos jours. . . . .

Persian Frescoes American Institue

·Par Arthur Upham Pope

. . . . Fortunately, Mr. Sarkis Katchadourian, appreciated the infinite charm of these murals, and sensed the loss that the whole world would suffer if they disintegrated before they could be recorded. With no help other than a burning zeal and a wholly sympathetic touch, he set to work to reproduce them, an arduous task done under constant difficulties and discouragements, but performed with perfect understanding A study of the originals, and the comparison of phot graphs of some of the panels with Mr. Katchadourian's facsim- iles, show that he has been faithful to an extraordinary degree. . . . .

Echo de Paris 28—11—1932

Par Guy Monnereau

C'est un côté fort peu connu de l'art persan, que nous révèlent les copies et reconstitutions des fresques d'Ali Qapù faites par le peintre Katchadourian et exposées au Musée Guimet.

. . . . Mr. Katchadourian a passé plus de deux années à faire les relevés qu'il nous présente aujourd'hui. Ces copies sont

C'est la deuxième fois que des Reconstitutions des Fresques Safavides, réalisées par M. Katchadourian sont exposées au Club-Iran.

Pour faire connaître l'intérêt créé par l'exposition de ces Fresques au Musée Guimet, dans le monde entier, nous incerons ci-après quelques extraits des opinions des critiques et autorités très connues ainsi que des journaux Européens & Americains.

Opinion de la Presse européenne.

l'Art Vivant № 157. Specialement consacré aux Arts Persans Page 69—73

PAR LAURE MORGENSTERN

L'éxposition que le peintre persan Katchadourian, organise le 25 Fevrier au Musée Guimet vient d'attirer notre attention sur un coté assez inconnu de l'art persan: la peinture murale, la grande peinture, curieusement mêlée d'influences occidentales.

Les réstitutions et copies que l'artiste a rapportées de ses études à l'Ali Qapu et au Chihil—Sûtûn, nous transportent dans ce XVIIe siècle séféfide, si ouvert à l'inspiration européenne, comme l'attestent les récits des voyageurs.

. . . . Si toutefois, nous jouissons aujourd'hui à Paris, de la Beauté des fresques d'Isfahan dans tout leur èclat et la gamme si moderne de leurs couleurs, nous le devons au reconstructions savantes et hautement esthétiques du peintre persan Katchadourian qui, avec une remarquable intuition et un véritable don de l'interprétation archéologique et artistique, à rendu une vie nouvelle aux fresques d'Ali-Qapu.

PREFACE

Quelques lignes élégantes et quelques taches de couleur dans les palais d'Isfahan et d'Ashraf, voilà, pense-t-on, tout ce qui subsiste de la peinture murale safavide. Et c'est bien à celà que l'ont à peu près réduite deux siècles d'indifférence envers les oeuvres du passé.

Cependant Katchadourian, épris de cet art délicat et harmonieux, résolut de fixer ce qui en pouvait encore être sauvé, l'esprit. Patiemment, minutieusement, il observa, étudia, scruta, récomposa. Que de fois l'ai-je vu s'immobiliser devant une fresque aux trois quarts ruinée, se pencher, s'écarter, se rapprocher, essayer, pour relier les indications éparses, les gestes du peintre de Shâh Abbas, les ajuster, puis enfin sourire à une image invisible et s'installer à son chevalet ! Peu à peu les traits s'assemblaient, chaque ligne reprenait vie et réapparaissaient la belle amante, le langoureux adolescent, l'arbre et la coupe, la coupe de l'oubli chère aux poètes persans.

J'ai revu le magicien, il y a quelques semaines, tout au haut d'Ali Kapy où il travaillait devant le dernier vestige utilisable, celui qui avait le plus longtemps résisté à son investigation. Il peignait rapidement, en maître peintre Safavide, sans hésiter et comme au gré de sa propre fantaisie. Pourtant il n'y avait sur le carton rien de plus que sur le mur. Il n'y avait aussi rien de moins. Je ne saurais lui faire un plus beau compliment.

André Godard

Téhéran, le 4 Mai 1933

Sous le haut Patronage

De S. E. le MINISTRE de L'INSTRUCTION PUBLIQUE

FRESQUES PERSANES

Reconstituées par SARKIS KATCHADOURIAN, suivant les originales de dix-septième siècle, des Palais d'Ali-Kapou—Tchehel Setoun—Porte-Qaysarieh—Pont d'Alaverdy, Djoulfa. (Isfahan) et de Palais de Saheb-Zaman (Achraf).

Exposition au Club Iran
du 15—25 Mai 1933.—Téhéran.

RESQUES PERSANES

EPOQUE SAFAVIDE

RECONSTITUÉES PAR

ARKIS—KATCHADOURIAN

TEHERAN